

دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده علوم اجتماعی

بررسی میزان تأثیر سرمایه اجتماعی  
بر رضایت از زندگی

استاد راهنما  
دکتر طاهره قادری

استاد مشاور  
دکتر ابراهیم توفیق

نگارش  
رقیه ناصری نوجده سادات  
شهریور ۱۳۸۷

## فهرست مطالب

موضوع	صفحه
چکیده .....	۱
<b>فصل اول - کلیات</b> .....	<b>۲</b>
مقدمه .....	۳
۱. بیان مسأله .....	۵
۲. اهداف تحقیق .....	۹
۳. ضرورت و اهمیت موضوع .....	۱۰
۴. پیشینه پژوهش .....	۱۱
<b>فصل دوم - مبانی نظری</b> .....	<b>۲۵</b>
مقدمه .....	۲۶
۱. رضایت از زندگی .....	۲۶
۱.۱. نظریه رابطه اجتماعی .....	۳۵
۱.۲. نگرش دلزده و احتیاط .....	۳۷
۱.۳. نظریه تطابق آرزو - وضعیت .....	۳۹
۱.۴. دلهره منزلت .....	۴۰
۲. سرمایه اجتماعی .....	۴۲
۲.۱. بورديو .....	۴۴
۲.۲. کلمن .....	۴۹
۲.۳. پاتنام .....	۵۲
۲.۴. فوکویاما .....	۵۴
۲.۵. نان لین .....	۵۶
۲.۶. گرانووتر .....	۵۸
۲.۷. وولکاک .....	۵۹
۲.۸. اعتماد .....	۵۹
۳. چارچوب نظری .....	۶۲
۳.۱. سؤال‌های پژوهش .....	۶۵
۳.۲. فرضیه‌های پژوهش .....	۶۵
<b>فصل سوم - روش پژوهش</b> .....	<b>۶۸</b>
مقدمه .....	۶۹
۱. روش پژوهش .....	۷۰

۷۱	۲. جمعیت آماری
۷۱	۲.۱. حجم نمونه آماری
۷۲	۲.۲. واحد مشاهده
۷۲	۲.۳. روش نمونه گیری
۷۴	۳. ابزار گردآوری داده ها
۷۴	۳.۱. اعتبار
۷۶	۳.۲. پایایی
۷۷	۴. شیوه تحلیل یافته ها
۷۷	۵. تعاریف نظری و عملیاتی
۷۷	۵.۱. رضایت از زندگی
۷۸	۵.۱.۱. رضایت ناشی از برخورداری
۷۹	۵.۱.۲. رضایت ناشی از ارتباط
۸۰	۵.۱.۳. رضایت ناشی از بودن
۸۳	۵. سرمایه اجتماعی
۸۴	۵.۲.۱. سرمایه اجتماعی درون گروهی
۸۴	۵.۲.۱.۱. سرمایه اجتماعی درون گروهی هنجاری
۸۶	۵.۲.۱.۲. سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری
۸۸	۵.۲.۲. سرمایه اجتماعی بین گروهی
۸۸	۵.۲.۲.۱. سرمایه اجتماعی بین گروهی هنجاری
۸۹	۵.۲.۲.۲. سرمایه اجتماعی بین گروهی ساختاری
۹۰	۵.۲.۳. سرمایه اجتماعی برون گروهی
۹۰	۵.۲.۳.۱. سرمایه اجتماعی برون گروهی هنجاری
۹۱	۵.۲.۳.۲. سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری
۹۳	۵.۳. ابعاد پرسش ها
۹۵	<b>فصل چهارم - یافته های پژوهش</b>
۹۶	مقدمه
۹۷	۱. توصیف یافته ها
۹۷	۱.۱. توصیف جمعیت نمونه
۱۰۰	۱.۲. رضایت از زندگی
۱۰۰	۱.۲.۱. رضایت ناشی از برخورداری
۱۰۲	۱.۲.۲. رضایت ناشی از ارتباط

۱۰۴	..... ۱. ۲. ۳. رضایت ناشی از بودن
۱۱۱	..... ۱. ۲. ۴. رضایت کلی
۱۱۲	..... ۱. ۳. سرمایه اجتماعی
۱۱۲	..... ۱. ۳. ۱. سرمایه اجتماعی درون گروهی
۱۱۲	..... ۱. ۳. ۱. ۱. سرمایه اجتماعی درون گروهی هنجاری
۱۱۷	..... ۱. ۳. ۱. ۲. سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری
۱۲۱	..... ۱. ۳. ۳. سرمایه اجتماعی بین گروهی
۱۲۱	..... ۱. ۳. ۳. ۱. سرمایه اجتماعی بین گروهی هنجاری
۱۲۳	..... ۱. ۳. ۳. ۲. سرمایه اجتماعی بین گروهی ساختاری
۱۲۴	..... ۱. ۳. ۴. سرمایه اجتماعی برون گروهی
۱۲۵	..... ۱. ۳. ۴. ۱. سرمایه اجتماعی برون گروهی هنجاری
۱۲۷	..... ۱. ۳. ۴. ۲. سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری
۱۲۹	..... ۲. تحلیل یافته‌ها
۱۲۹	..... ۲. ۱. بررسی فرضیه‌ها
۱۲۹	..... ۲. ۱. ۱. فرضیه اصلی
۱۳۰	..... ۲. ۱. ۲. فرضیه‌های سطح ۱
۱۳۱	..... ۲. ۱. ۳. فرضیه‌های سطح ۲
۱۳۵	..... ۲. ۱. ۴. فرضیه‌های سطح ۳
۱۳۹	..... ۲. ۲. تحلیل رگرسیون
۱۴۱	..... ۲. ۲. ۱. رگرسیون مدل اولیه پژوهش
۱۴۲	..... ۲. ۲. ۲. مدل رگرسیونی یافته‌ها
۱۴۷	..... <b>فصل پنجم - خلاصه و نتیجه‌گیری</b>
۱۴۸	..... مقدمه
۱۵۰	..... ۱. خلاصه یافته‌ها
۱۵۰	..... ۱. ۱. خلاصه یافته‌های توصیفی
۱۵۳	..... ۱. ۲. خلاصه یافته‌های تحلیلی
۱۵۵	..... ۲. نتیجه‌گیری
۱۵۸	..... ۳. محدودیت‌ها
۱۵۹	..... ۴. پیشنهادها
۱۵۹	..... ۴. ۱. پیشنهادهای اصلی
۱۶۰	..... ۴. ۲. پیشنهادهای فرعی

۱۶۱	..... پیوست‌ها
۱۶۲	..... منابع و مآخذ
۱۶۶	..... پرسشنامه
۱۷۲	..... چکیده انگلیسی

## فهرست جداول

موضوع	صفحه
جدول شماره ۱-۱ / میزان رضایت از ابعاد گوناگون زندگی در پژوهش علی اسدی .....	۱۲
جدول شماره ۱-۲ / میزان رضایت از جنبه‌های مختلف زندگی به ترتیب سطح رضایت در مطالعه منوچهر محسنی ..	۱۶
جدول شماره ۱-۳ / تصویر کلی رضایت از زمینه‌های مختلف زندگی و عوامل مرتبط با آن‌ها در پژوهش منوچهر محسنی ..	۱۷
جدول شماره ۱-۴ / میزان رضایت از ابعاد گوناگون زندگی در پژوهش عبدالعلی رضایی .....	۱۸
جدول شماره ۱-۵ / میزان رضایت از ابعاد گوناگون زندگی در پژوهش دکتر محسن گودرزی .....	۱۹
جدول شماره ۱-۶ / فرضیه‌های پژوهش به تفکیک سطوح گوناگون .....	۶۷
جدول شماره ۳-۱ / ابعاد قابل سنجش رضایت از زندگی .....	۹۳
جدول شماره ۳-۲ / ابعاد قابل سنجش سرمایه اجتماعی در دو حوزه هنجاری و ساختاری .....	۹۴
جدول شماره ۴-۱ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت .....	۹۷
جدول شماره ۴-۲ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه‌های سنی .....	۹۷
جدول شماره ۴-۳ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات .....	۹۸
جدول شماره ۴-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل .....	۹۸
جدول شماره ۴-۵ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت شغلی .....	۹۹
جدول شماره ۴-۶ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت فعالیت .....	۹۹
جدول شماره ۴-۷ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت منزل مسکونی .....	۱۰۰
جدول شماره ۴-۸ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان رضایت ناشی از ابعاد برخورداری .....	۱۰۱
جدول شماره ۴-۹ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان رضایت ناشی از برخورداری .....	۱۰۲
جدول شماره ۴-۱۰ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان رضایت ناشی از روابط نخستین .....	۱۰۳
جدول شماره ۴-۱۱ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان رضایت ناشی از ارتباط .....	۱۰۴
جدول شماره ۴-۱۲ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ارزیابی از میزان تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌ها .....	۱۰۵
جدول شماره ۴-۱۳ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ارزیابی از میزان تأثیر داشتن بر تصمیم‌گیری‌های عمومی .....	۱۰۶
جدول شماره ۴-۱۵ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب رضایت‌مندی از تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها .....	۱۰۸
جدول شماره ۴-۱۶ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ارزیابی از ابعاد احساس دوست داشتن .....	۱۰۹
جدول شماره ۴-۱۷ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب احساس آزادی .....	۱۱۰
جدول شماره ۴-۱۸ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان رضایت ناشی از بودن .....	۱۱۱
جدول شماره ۴-۱۹ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان رضایت کلی از زندگی .....	۱۱۱
جدول شماره ۴-۲۰ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد به گروه‌های نخستین .....	۱۱۳
جدول شماره ۴-۲۱ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد به گروه‌های نخستین .....	۱۱۴

- جدول شماره ۲۲-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان احساس تعلق و یکی بودن با گروه‌های نخستین .. ۱۱۵
- جدول شماره ۲۳-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان احساس تعلق به گروه‌های نخستین ..... ۱۱۶
- جدول شماره ۲۴-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی درون گروهی هنجاری ..... ۱۱۶
- جدول شماره ۲۵-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان امکان همکاری و مشارکت با گروه‌های نخستین ۱۱۷
- جدول شماره ۲۶-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان همکاری و مشارکت با گروه‌های نخستین ..... ۱۱۸
- جدول شماره ۲۷-۴ / توزیع پاسخگویان بر حسب میزان آمادگی داوطلبانه در حل مشکل اعضای گروه‌های نخستین ..... ۱۱۹
- جدول شماره ۲۸-۴ / توزیع پاسخگویان بر حسب میزان آمادگی داوطلبانه در حل مشکل اعضای گروه‌های نخستین ..... ۱۲۰
- جدول شماره ۲۹-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری ..... ۱۲۰
- جدول شماره ۳۰-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد به گروه‌های اجتماعی ..... ۱۲۱
- جدول شماره ۳۱-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سرمایه اجتماعی بین گروهی هنجاری ..... ۱۲۲
- جدول شماره ۳۲-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان همکاری با گروه‌های اجتماعی ..... ۱۲۳
- جدول شماره ۳۳-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سرمایه اجتماعی بین گروهی ساختاری ..... ۱۲۴
- جدول شماره ۳۴-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد به سازمان‌ها و نهادها ..... ۱۲۵
- جدول شماره ۳۵-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سرمایه اجتماعی برون گروهی هنجاری ..... ۱۲۶
- جدول شماره ۳۶-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ارزیابی از میزان نفوذ خود در اداره‌های دولتی ..... ۱۲۷
- جدول شماره ۳۷-۴ / توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری ..... ۱۲۸
- جدول شماره ۳۸-۴ / آزمون همبستگی فرضیه رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی ..... ۱۳۰
- جدول شماره ۳۹-۴ / آزمون همبستگی فرضیه رابطه سرمایه اجتماعی درون گروهی با رضایت از زندگی ..... ۱۳۰
- جدول شماره ۴۰-۴ / آزمون همبستگی فرضیه رابطه سرمایه اجتماعی بین گروهی با رضایت از زندگی ..... ۱۳۱
- جدول شماره ۴۱-۴ / آزمون فرضیه همبستگی سرمایه اجتماعی برون گروهی با رضایت از زندگی ..... ۱۳۱
- جدول شماره ۴۲-۴ / آزمون همبستگی فرضیه رابطه سرمایه اجتماعی درون گروهی هنجاری با رضایت از زندگی ۱۳۲
- جدول شماره ۴۳-۴ / آزمون فرضیه همبستگی سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری با رضایت از زندگی ..... ۱۳۲
- جدول شماره ۴۴-۴ / آزمون همبستگی فرضیه رابطه سرمایه اجتماعی بین گروهی هنجاری با رضایت از زندگی .. ۱۳۳
- جدول شماره ۴۵-۴ / آزمون فرضیه همبستگی سرمایه اجتماعی بین گروهی ساختاری با رضایت از زندگی ..... ۱۳۳
- جدول شماره ۴۶-۴ / آزمون فرضیه همبستگی سرمایه اجتماعی برون گروهی هنجاری با رضایت از زندگی ..... ۱۳۴
- جدول شماره ۴۷-۴ / آزمون فرضیه همبستگی سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری با رضایت از زندگی ..... ۱۳۴
- جدول شماره ۴۸-۴ / آزمون فرضیه همبستگی سرمایه اجتماعی درون گروهی هنجاری با ابعاد رضایت از زندگی ۱۳۵
- جدول شماره ۴۹-۴ / آزمون فرضیه همبستگی سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری با ابعاد رضایت از زندگی ۱۳۶
- جدول شماره ۵۰-۴ / آزمون فرضیه همبستگی سرمایه اجتماعی بین گروهی هنجاری با ابعاد رضایت از زندگی ... ۱۳۷
- جدول شماره ۵۱-۴ / آزمون فرضیه همبستگی سرمایه اجتماعی بین گروهی ساختاری با ابعاد رضایت از زندگی .. ۱۳۸
- جدول شماره ۵۲-۴ / آزمون فرضیه همبستگی سرمایه اجتماعی برون گروهی هنجاری با ابعاد رضایت از زندگی . ۱۳۸

- جدول شماره ۴-۵۳ / آزمون فرضیه همبستگی سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری با ابعاد رضایت از زندگی ۱۳۹
- جدول شماره ۴-۵۴ / نتایج تحلیل رگرسیون یک متغیره (سرمایه اجتماعی) با رضایت از زندگی ..... ۱۴۰
- جدول شماره ۴-۵۵ / اثر مستقیم و غیرمستقیم رگرسیونی ابعاد سرمایه اجتماعی بر رضایت از زندگی ..... ۱۴۲
- جدول شماره ۴-۵۶ / اثر مستقیم و غیرمستقیم رگرسیونی ابعاد شش‌گانه سرمایه اجتماعی بر رضایت از زندگی .. ۱۴۳



## چکیده

رضایت از زندگی از شاخص‌های مهم اجتماعی است که هر چند در سطح خرد و فردی اندازه‌گیری می‌شود، اما خود را در سطح کلان می‌نمایاند. اینگلهارت بر آن است که امروزه رضایت از زندگی، یکی از پیامدهای فرآیند توسعه است و هر قدر سطح توسعه‌یافتگی فزونی یابد، به جهت گستره و عمق برآورده شدن نیازها و تمایلات شکل گرفته در جریان زندگی و در مقایسه‌های اجتماعی، رضایت از زندگی نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این، با شاخص‌های مهم سطح کلان نظیر بیگانگی و انزوای اجتماعی نیز ارتباط دارد؛ شاخص‌هایی که به جهت سلبی، شدت و ضعف سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهند. سرمایه اجتماعی، یکی از دارایی‌های اجتماعی است که در جریان زندگی فرد شکل می‌گیرد و به نوعی چسب اجتماعی فرد با اجتماع (خانواده، دوستان و گروه‌های نخستین) و جامعه پیرامون وی (گروه‌های ثانوی، شهر و کشور) محسوب می‌شود.

در پژوهش حاضر فرض وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی به آزمون گذارده شده است. در تدوین چارچوب نظری از آرای دورکیم، بوردیو، کلمن، لین، گرانووتر، وولکاک و اینگلهارت استفاده شده است. در این بررسی، رضایت از زندگی در ابعاد رضایت ناشی از ارتباط، رضایت ناشی از برخورداری و رضایت ناشی از بودن در نظر گرفته شده است. سرمایه اجتماعی نیز در سه شکل سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، سرمایه اجتماعی بین‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی تفکیک گردیده که با در نظر گرفتن بعد ساختاری و هنجاری برای هر یک، شش نوع سرمایه اجتماعی متمایز شده است. در نهایت، ارتباط بین اشکال سرمایه اجتماعی و ابعاد رضایت از زندگی در قالب فرضیه‌های تحقیق در سه سطح مفروض گرفته شده است.

استراتژی این پژوهش بررسی رابطه این دو متغیر در جمعیت نمونه بوده است، رویکرد روش‌شناسی پژوهش، فردگرایانه اتخاذ گردید و در چارچوب روش‌های اکتشافی و توصیفی - تحلیلی، از پیمایش مقطعی - عرضی بهره گرفته شد تا بتوان اطلاعات مورد نیاز را از افراد نمونه جمع‌آوری کرد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای حاوی ۹۷ سؤال و گویه بود که با انتخاب نمونه‌ای ۴۰۵ نفری از شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در مناطق ۱، ۲ و ۳ به عنوان مناطق بالایی، ۹ تا ۱۲ به عنوان مناطق میانی و ۱۷ تا ۲۰ به عنوان مناطق پایینی، شهر تهران تکمیل گردید. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای و در خوشه آخر تصادفی سیستماتیک بوده است. برای آزمون فرضیه‌ها، از آماره همبستگی پیرسون استفاده شده است. علاوه بر این که با بهره‌گیری از تکنیک رگرسیون، ضمن تعیین میزان واریانس تبیین‌شده متغیر وابسته توسط ابعاد متغیر مستقل، ضریب رگرسیونی برای تحلیل مسیر به دست آمده است.

آزمون فرضیه‌ها حکایت از وجود همبستگی متوسط ( $r = 0/459$ ) بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی دارد. علاوه بر این سرمایه اجتماعی درون‌گروهی مخصوصاً سرمایه اجتماعی درون‌گروهی هنجاری (اعتماد) رابطه قوی‌تری با رضایت از زندگی دارند. در مجموع سرمایه اجتماعی به طور کلی ۰/۲۱۱ از تغییرات رضایت از زندگی را تبیین می‌کند که اگر سهم هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی (به عنوان متغیرهای مستقل) جداگانه مورد بررسی قرار گیرد، میزان واریانس تبیین‌شده رضایت از زندگی به ۳۸ درصد افزایش می‌یابد. باید اشاره کرد در این میان، سرمایه اجتماعی بین‌گروهی هنجاری بیشترین سهم را داشته است و اثر علی آن به تنهایی و بدون لحاظ دیگر متغیرها ۰/۵۵۷ است.

## فصل اوّل

---

---

### کلیّات

## مقدمه

قدمت پرسش از چیستی زندگی سعادت‌مند و خوشبختی، به سپیده دم تاریخ بشریت بازمی‌گردد. شاید به جرأت بتوان گفت که تلاش بشر در این زمینه، مختص زمان و مکان خاص نبوده است و انسان دارای میراث مشترکی است که حقیقت واحدی را پی می‌گیرد. مرور تعلیمات شرق دور از سی قرن پیش از میلاد مسیح تا آرای فلاسفه قدیم یونان و از تعلیمات ادیان ابتدایی تا آموزه‌های پیامبران الهی در خاورمیانه حاکی از این واقعیت است.

در چین کهن، مفهوم «لی» (Li) به معنای آداب‌دانی یا مردم‌داری، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود: «فرد باید چنان زندگی کند که موافق سنتها و مقبول مردم باشد، و گرنه نظام عالم از هم می‌گسلد ... اگر انسانها موافق «لی» رفتار کنند، «هو» (H'u) یعنی هماهنگی یا اتحاد، بر همه کائنات بال خواهد گسترده» (بارنز و بکر؛ ۱۳۷۰: ۶۰)؛ مفهومی که بعدها در آثار کنفوسیوس به خوبی جای گرفت. یکی از پرسش‌های فلاسفه یونان نیز بر همین محور بنا شد: کشف طبیعت و ماهیت زندگی خوب. افلاطون آن را امری عقلی و شبیه کشف حقایق ریاضی می‌دانست و «شرط لازم نیل به زندگی خوب و سعادت‌مندانه» را داشتن علم و معرفت معرفی کرد. سقراط نیز پیش از او چنین می‌اندیشید. در اندیشه کلاسیک، خیر، وجودی مستقل از خواسته‌ها و آرزوهای مردم یافت. ارسطو در پی پاسخ به چیستی زندگی سعادت‌مندانه، اخلاق نیکوماخوس را نوشت و انطباق نفس با فضیلت کامل را سعادت نامید. پس از او نیز سعادت و خوشبختی محور مباحث فکری و زیست اجتماعی بشر بود. پیامبران الهی، از دیرباز سعادت و خوشبختی را در عمل به دستورات الهی می‌دانستند. تاریخ زندگی بشر، مشحون است از گفتارها و نوشته‌های عارفان، شاعران، حکیمان و نویسندگان بسیاری که در این باب به تأمل پرداخته‌اند. رجوع به آموزه‌های اساطیر ایرانی، حکمت خسروانی، تعالیم زرتشت، میراث دوران اسلامی و پس از آن ما را با حجم بسیاری از مطالب فلسفی، عرفانی و ادبی و اندرزها در این حوزه مواجه می‌کند.

اما، تا پیش از دوران مدرن، پرسش‌ها و پاسخ‌ها رنگ و بویی فلسفی و دینی و اندرزگونه داشت. فرا رسیدن عصر روشنگری، سرشار از ایده‌های تحول و پیشرفت بود. با بروز تحولات ذهنی و عینی شامل تحول در نوع هستی‌شناسی بشر از جهان‌مداری به انسان‌مداری، و بروز

انقلاب صنعتی و کنده شدن انسان از زمین کشاورزی و پیدایش سرمایه‌داری، رشد شهرنشینی و شهرگرایی و بروز انقلاب‌های متعدد سیاسی - اجتماعی، نوعی خوش‌بینی در بین اندیشه‌مندان شکل گرفت که بشر توانسته است زندگی سعادت‌مند خود را بیابد. ولی رفته رفته پیامدهای منفی این تحولات رخ نمود. آشوب‌ها و بی‌سامانی ناشی از انقلاب‌ها، گسترش دیوان‌سالاری اقتصادی وسیع برآمده از انقلاب صنعتی و سرریز شدن سودهای هنگفت و کلان در صندوق شمار معدودی از افراد در کنار دست‌مزدهای ناچیز برای ساعت‌های طولانی کار، هجوم روستاییان به شهر و افزایش بی‌قاعده جمعیت شهری، رشد بی‌توقف آلودگی‌های شهری اعم از آلودگی‌های زیست‌محیطی و اجتماعی و مواجهه مهاجران با آن پس از کنده شدن از محیط آرام و کمتر آلوده روستایی، کاهش امنیت و فزونی آسیب‌های اجتماعی، خوش‌بینی ناشی از رشد شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی را با شک و تردید مواجه ساخت و وضعیتی دوگانه را پیش روی انسان نهاد: با تحولات جدید و شکل‌گیری نظم نوین، انسان، روی به سعادت نهاده است یا خوشبختی را باید در نظمی دیگر جست؟

توجه به پیامدهای منفی زندگی در دوران جدید، اندیشه‌مندان را واداشت تا هم‌چون گذشتگان خود شاخص‌های زندگی سعادت‌مند را بازتعریف کنند. اما این بار نگاه آنان از محوریت هماهنگی با هستی و طبیعت و انسان تکلیف‌مدار فاصله گرفت و به درون زندگی جاری و روزمره و انسان حقوق‌مدار سوق یافت. نوع و میزان برخورداری از امکانات توزیع‌شده در جامعه، نوع ارتباطات اجتماعی مسلط بر جامعه، گروه‌ها و افراد، برداشت و معنایی که افراد و گروه‌های اجتماعی از جایگاه خود و زندگی خود دریافت می‌کنند، محدوده آزادی عمل و توجه به ساختارهای کلان سلطه، نوع ارتباط با طبیعت و اثربخشی آن در زندگی جاری و آتی و در نهایت برداشت و ارزیابی ذهنی فرد از مجموعه آن‌ها، وضعیتی را سامان داد تا به زندگی و خوشبختی از دریچه‌ای دیگر نگریسته شود. در چنین وضعیتی، پرسش از این که کدام زندگی موافق سنت‌ها و «مقبول دیگران» است، جای خود را به زندگی «مقبول خود» داد: زندگی‌ام و ابعاد و حدود آن تا چه حد رضایت‌بخش است؟

## ۱. بیان مسأله

علوم اجتماعی، به معنای عام و وسیع آن و جامعه‌شناسی به معنای اخص آن، سال‌هاست که از توجه صرف به آثار عینی سیاست‌ها و تحولات اجتماعی و بررسی وقایع اجتماعی عینی فاصله گرفته و آثار ذهنی تغییر و تحولات را به عنوان امری اجتماعی مورد مطالعه قرار داده است. در این میان برداشت و پنداشت انسان‌ها از زندگی در جهانی که در آن به سر می‌برند و ارزیابی‌شان از حدود و چگونگی ابعاد زندگی‌شان، موضوع پژوهش‌های متعددی در این حوزه‌های علمی شده و جایگاه ویژه‌ای یافته است. محور این مباحث به این نکته معطوف است که هدف از توسعه و تغییر و تحولات اجتماعی، بهبود سطح زندگی اجتماعی آدمیان و ایجاد روابط سالم‌تر در جامعه است. این وضعیت خود را در دو سطح نشان می‌دهد: یکی به لحاظ سخت‌افزاری و سطوح برخورداری‌های اقتصادی و تکنولوژیک از زندگی و دیگری به لحاظ نرم‌افزاری که شامل پنداشت و برداشت از این برخورداری‌ها می‌شود. این پنداشت و ارزیابی، بیشتر خود را در ارزیابی از ابعاد زندگی نشان می‌دهد که تحت عنوان «رضایت از زندگی» معنا می‌یابد (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۵۴-۱۵۷). از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر جامعه‌شناسان توجه ویژه‌ای به مفهوم و واقعیت «زندگی» داشته‌اند. به طوری که این مفهوم در سال‌های اخیر به یکی از مباحث کانونی و مرکزی این علم تبدیل شده است. طرح موضوع‌هایی چون زندگی روزمره، سبک زندگی، سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در زندگی، رضایت از زندگی و کیفیت زندگی جایگاه و اهمیت این توجه را نشان می‌دهد.

بسیاری بر این عقیده هستند که رضایت از زندگی در بین شاخص‌های سازنده مفهوم کیفیت زندگی، از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود؛ مفهومی که از یک سو برای شناخت ویژگی‌های دوران اخیر و تحولات آن و از سوی دیگر به عنوان شاخصی برای نشان دادن نتایج تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود. شاید به همین وجه باشد که مایکل تودارو (Michael Todaro) بر آن بود که «توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که

مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته، خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد» (روکس برو، ۱۳۸۰: ۸). از دیدگاه وی، «زندگی» در کانون بحث تحولات ساختاری جای دارد. به عبارتی دیگر، هدف اساسی توسعه، ایجاد تغییر در ابعاد گوناگون زندگی در جهت سیر از وضع موجود به وضع مطلوب است. «میسرا» محقق و صاحب‌نظر هندی که در تعریف توسعه به ابعاد فرهنگی آن تأکید می‌کند، هدف از توسعه را «ایجاد زندگی پرثمری» می‌داند که توسط فرهنگ تعریف می‌شود (پیشین).

فیتزپتریک (Fitzpatrick) نیز در تعریف رفاه، اموری چون شادکامی و خوشبختی را یکی از چشم‌اندازهای اصلی رضایت از زندگی معرفی می‌کند که سطح و عمق آن با رفاه، ارتباط پیدا می‌کند. در این تعریف، رفاه - به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه - حالتی است «که غالباً به عنوان رضایت یا خرسندی» از زندگی بیان می‌شود (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۲۰)؛ یعنی فرد باید به طور کلی از زندگی خود و ابعاد آن راضی و شادکام باشد. فیتزپتریک بر آن است که این احساس احتمالاً بدین سبب شکل می‌گیرد که فرد به این آگاهی و احساس می‌رسد که آرزوهایش تحقق یافته است و این احساس را حتی وقتی که گاه با ناکامی‌ها و شکست‌هایی مواجه می‌شود، از دست نمی‌دهد. به عبارتی دیگر، ارتباط بین رفاه و رضایت از زندگی، هم در سطح خرد و هم در سطح کلان قابل مشاهده است.

اینگلهارت (Inglehart) وقتی در بررسی روند آمار ۱۵ ساله‌ی رضایت از زندگی نه کشور اروپایی روندهای نسبتاً ثابت را مشاهده می‌کند، ابتدا آن را به تفاوت‌های میان فرهنگی این کشورها ارجاع می‌دهد و سپس نتیجه می‌گیرد که «یکی از مهمترین علل اختلاف فرهنگی، سطح توسعه اقتصادی جامعه است: امنیت اقتصادی، احساس عمومی رضایت از زندگی را در جامعه افزایش داده و به تدریج باعث پدید آمدن یک هنجار فرهنگی نسبتاً عالی می‌شود». او در ادامه با بررسی همبستگی کلی بین تولید سرانه ناخالص ملی و رضایت از زندگی ۲۴ کشور در می‌یابد که «رونق و شکوفایی اقتصادی با سطوح نسبتاً بالای رضایت از زندگی مرتبط است» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۳). وی معتقد است «اگر چه عامل اقتصادی تنها عامل اختلاف در رضایت از زندگی

نیست، به نظر می‌رسد که توسعه اقتصادی با سطوح نسبتاً بالای رضایت از زندگی در ارتباط است» (پیشین: ۳۵).

اهمیت این مفهوم می‌تواند در تصویری باشد که از متغیرهای اجتماعی مهم دیگر به دست می‌دهد. «سطوح پایین‌تر رضایت از زندگی نشان‌دهنده سطح بالاتری از انزوای اجتماعی، بی‌قدرتی و بی‌هنجاری» است. علاوه بر این که مفهوم رضایت از زندگی در تداوم نظم اجتماعی نقش قابل توجهی ایفا می‌کند (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۵۸). اینگلهارت نیز تأکید دارد «رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر، میزان زیاد بحث‌های سیاسی و حمایت از نظم اجتماعی همه به همراه هم هستند: آنها نشانگان نگرشهای مثبت را نسبت به جهانی که شخص در آن زندگی می‌کند تشکیل می‌دهند. جالبتر از همه این واقعیت است که به نظر می‌رسد این نشانگان با بقای نهادهای دموکراتیک رابطه دارد» (اینگلهارت، ۱۳۷۸: ۴۴). به عبارتی دیگر، در جوامع جدید نمی‌توان رضایت عمیق و پایدار از زندگی را فارغ از گسترش نهادهای دموکراتیک - یعنی آنچه که به کاهش انزوای اجتماعی، بی‌قدرتی و بی‌هنجاری یاری می‌رساند - پی گرفت. در غیر این صورت، رضایت از زندگی نیز متزلزل خواهد بود و بر بنیان‌های استواری تکیه نخواهد داشت. همین نکته نشان می‌دهد که اهمیت رضایت از زندگی در پیامدهای فوری سیاسی آن نیست، بلکه در نقشی است که در فرآیندهای کلان دارد. از همین روست که رضایت از زندگی نشان‌دهنده سطح توسعه‌یافتگی قلمداد می‌شود. به علاوه، اینگلهارت در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که رضایت از زندگی با شاخص‌های فرهنگ مدنی مرتبط است.

در چنین فضای ذهنی و نظریه‌پردازی‌ای، رضایت از زندگی به عنوان مفهومی جامعه‌شناختی نمود می‌یابد؛ مفهومی که از یک سو نشان‌دهنده سطح و نوع تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و از سوی دیگر متأثر از علل و عوامل اجتماعی بسیاری است که خود برآیندی از همان تحولات اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود. به همین جهت نیز این مفهوم به همراه مجموعه‌ای از متغیرهای اجتماعی در یک بسته مفهومی قرار می‌گیرد که سطح و اندازه آن‌ها با فضا و بستر اقتصادی و اجتماعی جامعه مورد بررسی توأمان منطبق می‌شود.

رضایت از زندگی در سطوح کلان، میانی و خرد به عوامل اجتماعی بسیاری وابسته است. در سطح خرد، برخی آن را تابع نوع، شدت و چگونگی روابط اجتماعی دانسته‌اند. زیمل (Simmel) آن را به سرشت ناپایدار و غیرساختی روابط در زندگی شهری و میزان اعتماد ربط می‌دهد. اندیشمندانی دیگر به تأثیر ناهماهنگی منزلت‌ها یا ناسازگاری پایگاهی و میزان شکاف و فاصله‌ی بین سطح آرزوی فرد و وضعیت عینی زندگی فرد بر میزان رضایت از زندگی اشاره داشته‌اند. در مطالعات بسیاری نشان داده شده است که احساس محرومیت نسبی، امید به دستیابی به هدف، ارزیابی از گذشته، اعتماد اجتماعی، فردگرایی افراطی، احساس تعلق و حمایت اجتماعی، نیازها و میزان توانایی ارضای آن‌ها، عدالت توزیعی، میزان دستیابی به اهداف و آرزوها، ارزیابی از نابرابری، احساس امنیت، افزایش سطح توقعات، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، شیوه گذران اوقات فراغت و روابط نخستین با رضایت از زندگی ارتباط دارد و به نحوی متغیرهایی هستند که بخشی از واریانس و تغییرات رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند (صفدری، ۱۳۷۹ و گودرزی، ۱۳۷۵). علاوه بر این با توجه به گستردگی و پیچیدگی مفهوم سرمایه اجتماعی که ناظر بر شبکه‌ها، پیوندها و روابط و هنجارهای اجتماعی است، و از آن جایی که بخشی از نیازهای فرد از طریق این روابط و پیوندها ایجاد و پاسخ گفته می‌شود، این مفهوم می‌تواند برای تبیین سطح و میزان رضایت از زندگی به کار گرفته شود.

از این رو، امروزه، این پرسش‌ها هم‌چنان به عنوان دل‌مشغولی‌های پژوهشگران اجتماعی مطرح است که: ابعاد رضایت از زندگی چیست و اگر بخواهیم اجزای زندگی را مورد کاوش قرار دهیم، به چه اموری باید اشاره کنیم؟ رضایت از زندگی در جامعه ما از چه وضعیتی برخوردار است؟ کدامیک از ابعاد رضایت از زندگی واجد اهمیت بیشتری است و نقش تعیین‌کننده در این مقوله بازی می‌کنند؟ کدامیک از ابعاد رضایت از زندگی سهم کمتری در رضایت کلی از زندگی دارد؟ چه عواملی رضایت از زندگی را شکل داده و تقویت می‌کند؟ تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در چه حد است؟ در هر یک از این عوامل چه ابعادی نهفته است و سهم هر یک از این ابعاد در شکل دادن به رضایت از زندگی تا چه میزان است؟ کدامیک از این عوامل تأثیر بیشتری در رضایت از زندگی دارند؟ فرآیند اثربخشی این



عوامل چگونه است؟ عوامل اجتماعی در این بین از چه جایگاهی برخوردار است و شامل چه وجوهی می‌شود؟ سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از وجوه شاخص عوامل اجتماعی مؤثر بر رضایت از زندگی چه میزان از تغییرات آن را تبیین می‌کند؟ سرمایه اجتماعی چیست و دارای چه ابعادی است؟ چگونه می‌توان رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی را تبیین کرد؟

این پرسش‌ها تنها معطوف به مباحث نظری نمی‌شود. بلکه معطوف و برآمده از میدان عمل اجتماعی و وضعیت جاری زندگی ما نیز هست. جامعه ما در صد سال اخیر با تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بسیار عمیقی مواجه بوده است. این تحولات از یک سو، زندگی جاری و روزمره را دگرگون ساخت و از سویی دیگر نوع نگاه به انسان و حقوق را دستخوش تغییر کرد. وضعیت فعلی زندگی، چیزی جز نتیجه تلاش جامعه برای تغییر و دستیابی به وضعیت مطلوب زندگی نبوده است. از این رو، پرسش‌های بیان‌شده برای ما نیز از اهمیت برخوردار می‌شود؛ چرا که در پس رضایت از زندگی، تصویر زندگی مطلوب نهفته است.

## ۲. اهداف تحقیق

### اهداف توصیفی

تعیین میزان رضایت از زندگی در بین شهروندان تهرانی؛

تعیین میزان سرمایه اجتماعی در بین شهروندان تهرانی؛

تعیین میزان و سهم هر یک از ابعاد رضایت از زندگی در بین شهروندان تهرانی؛

تعیین میزان و سهم هر یک از اشکال سرمایه اجتماعی در بین شهروندان تهرانی.

### اهداف تبیینی

تعیین نوع رابطه سرمایه اجتماعی با رضایت از زندگی؛

تعیین نوع رابطه و میزان تأثیر هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی بر رضایت از زندگی؛

تعیین نوع رابطه و میزان تأثیر هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی بر هر یک از ابعاد رضایت از

زندگی.

### ۳. ضرورت و اهمیت موضوع

مفهوم رضایت از زندگی هر چند در سطح خرد سنجیده می‌شود، اما به جهت آن که در فرآیند زیست اجتماعی و ارضای نیازهای افراد و گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد، می‌تواند به خوبی بازتاب و عصاره تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد؛ چرا که این گونه تحولات در نهایت به افزایش سطح رفاه و کیفیت زندگی می‌انجامد و رضایت از زندگی نیز یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نشان‌دهنده رفاه و کیفیت زندگی است. از این رو، دستیابی به سطح رضایت از زندگی می‌تواند تبلور ارزیابی عمومی از نتایج تحولات اقتصادی و اجتماعی باشد. به بیانی دیگر، رضایت از زندگی از یک سو نشان‌دهنده تحولات سطح کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و از سوی دیگر میزان آن را در سطح کلان به این تحولات شکل می‌دهد و می‌تواند به رویکردهای اصلاح‌طلبانه، رادیکال و محافظه‌کارانه در جامعه دامن زند. از این رو، سطح و میزان آن به نحوی بازتاب سطح و میزان و سمت و سوی تحولات مورد نظر است. هر چند سیاستمداران می‌توانند با دستیابی به درکی از وضعیت رضایت اجتماعی، میزان اثربخشی برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی و از رویکرد جامعه نسبت به آن مطلع شوند، دانشمندان علوم اجتماعی در صددند تا با فهم سازوکارهای آن و عوامل تأثیرگذار بر آن، چارچوب‌های مفهومی و ارتباط معنای این مفهوم را دریابند و از بخشی از حیات اجتماعی و سازوکارهای ارتباطی بین متغیرهای اجتماعی در جامعه نوین تعریفی دقیق‌تر ارائه دهند.

یکی دیگر از جنبه‌های پراهمیت رضایت از زندگی، ارتباط آن با شاخص‌های مهم و تأثیرگذار اجتماعی است. رضایت از زندگی، همبستگی بالایی با بیگانگی و اعتماد اجتماعی دارد. این مفهوم لایه‌هایی از تضادها و تعارض‌های اجتماعی را در خود نهفته دارد. به بیانی دیگر با تعیین میزان رضایت، می‌توان به میزان فعال بودن و یا نبودن تضادها دست یافت.

هم‌چنین، رضایت از زندگی، نقش عمده‌ای در تداوم نظم اجتماعی ایفا می‌کند؛ چرا که فقدان و یا ضعف آن هر چند ناشی از تضادهای اجتماعی است، ولی به علنی شدن تضادها و تضعیف نظم و ثبات اجتماعی می‌انجامد.

با توجه به آن چه بیان شد، می‌توان بر مبنای سنجش این مفهوم، وضعیت، تضادهای اجتماعی، نظم اجتماعی و سطح توسعه‌یافتگی را تا حدود بسیاری تعیین کرد. به عبارتی، رضایت از زندگی، نوعی میزان الحراره‌ی اجتماعی است.

#### ۴. پیشینه پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های بسیاری در زمینه رضایت از زندگی و ارتباط آن با عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انجام شده است؛ البته به طور مشخص تعداد مطالعاتی که به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با رضایت از زندگی متمرکز هستند، اندک است. در ادامه بخشی از پژوهش‌های احصا شده در باره موضوع رساله به بحث گذارده می‌شود.

۱. علی اسدی در پیمایش «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران» (۱۳۵۳)، خرسندی از زندگی را نیز بررسی کرده بود. او میزان رضایت از زندگی را یکی از شاخص‌های سلامت جامعه و بهزیستی اجتماعی معرفی می‌کند که «تنها بهره‌مند بودن از مواهب زندگی نیست بلکه به میزان نیازها و افزون‌طلبی‌ها هم بستگی کامل دارد». از این رو، هدف خود را «مقایسه گروه‌های مختلف از نظر شاخص رضایت از زندگی به منظور کشف عوامل مؤثر در افزایش یا کاهش رضایت» معرفی می‌کند. وی اطلاعات مورد نیاز را با به کارگیری ابزار پرسشنامه از ۲۳ شهر و ۵۲ روستای کشور از استان‌های مرکزی، اصفهان، یزد، کرمان، آذربایجان شرقی و غربی، فارس، هرمزگان، خراسان، سیستان و بلوچستان، گیلان، مازندران، کرمانشاهان، کردستان و خوزستان گردآوری کرد که تعداد پرسشنامه‌های نهایی و پذیرفته شده به ۴۴۲۰ مورد رسید.

نتایج نشان می‌دهد حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان از زندگی خود ابراز رضایت کرده و تنها ۸ درصد ناراضی بودند. علاوه بر این که ۴۲ درصد تاحدودی رضایت داشتند. اما، میزان رضایت در هر یک از حوزه‌های خانواده، کار و شغل، تحصیل، معیشت، تندرستی و شرایط اجتماعی متفاوت بود. به عبارت دیگر، دو عامل اصلی نارضایتی افراد از زندگی، تحصیلات و درآمد ناکافی آنها شناخته شد. «میزان رضایت افراد از سرنوشت و تقدیر خود هم چندان زیاد نیست». «میزان رضایت از زندگی اجتماعی گرچه مانند نیازهای مادی پایین نیست، ولی زیاد هم نیست.

اما میزان رضایت از زندگی خانوادگی بیشتر از زندگی اجتماعی است» (علی اسدی؛ ۱۳۵۶: ۱۰۱-۹۸).

جدول شماره ۱-۱ / میزان رضایت از ابعاد گوناگون زندگی در پژوهش علی اسدی

متغیر	نسبت رضایت مندی %
رضایت از تحصیل	۲۱
رضایت از درآمد	۲۵
رضایت از شانس و تقدیر خود	۳۱
رضایت از شغل	۳۷
رضایت از زندگی اجتماعی	۴۶
رضایت از زندگی خانوادگی	۵۷
رضایت از تندرستی خود و افراد خانواده	۶۷

۲. براتعلی سلیمانی درچه در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی رضامندی از زندگی بعد از مهاجرت در میان گروهی از مهاجرین ساکن خمینی شهر» (۱۳۷۳) از قول ازکمپ (Azcamp) رضامندی را بر خلاف مفهوم خوشحالی که ناظر به تجربه عاطفی است، مبتنی بر تجربه شناختی و داورانه به عنوان ارزیابی از اختلاف ادراک شده بین آرزو و پیشرفت معرفی می‌کند. او که از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز خود در بین نمونه‌ای ۱۴۰ نفره استفاده کرد، نیازها را در شانزده گروه قرار داد و رضایت مندی از آنها را بررسی کرد. این شانزده گروه عبارتند از: رضایت از شغل، درآمد، مهاجرت به مفهوم کلی آن، مسکن، امکانات آموزشی محل، امکانات بهداشتی و درمانی، امنیت، بازار کار، اقدامات شهرداری، اهل محل بودن، همسایه‌ها، اهالی بومی، احترام در محل، موقعیت در طول زندگی، توجه و اطاعت دیگران از فرد و اعمال و رفتار فردی و اجتماعی. این نیازها با تدوین چارچوب نظری و تحلیلی مبتنی بر نظریه‌های نیازها، مبادله، نظریه‌های برابری، احتمال و انتظار و نظریه دو عاملی هرزبرگ در روان‌شناسی اجتماعی شناسایی شدند.